

## پیروزی شوز مظهر پیروزی توده‌ی مردم ونزولا در برابر امپریالیزم و عیادی داخلی اش

با فراندن ۱۵ اوت، بار دیگر توده‌ی فقیر و زحمتکش مردم ونزولا بر علیه توطئه‌های امپریالیزم و عیادی داخلی اش پیروز شدند. برای افسار مختلف طبقه‌ی کارگر تحت ستم ونزولا که از زمان به روی کار آمدن شوز، از بورژوازی ملی خود جز خیانت، تخریب اقتصادی و گله و شکایت چیز دیگری ندیده‌اند، این مبارزه‌ی «تن به تن» بشمار می‌آید. حدود ۹۰ درصد مردم در این رأی‌گیری شرکت کردند.

شمارش اولیه که بوسیله‌ی دستگاه‌های کامپیوتری در شهرهای بزرگ صورت گرفت، چند ساعتی پس از پایان رأی‌گیری باقی ماندن بر قدرت شوز را تثبیت کرد. در این شمارش ۴ میلیون و ۹۹۱ هزار و ۴۳۸ رأی موافق به برجا ماندن شوز و ۳ میلیون و ۵۷۶ هزار و ۵۱۷ رأی به برکناری او آمد. این تعداد البته شامل شمارش آرای شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده که با دست انجام می‌گیرد، نیست و شوز در آن مناطق از پشتیبانی دهقانان و توده‌های محروم بسیاری برخوردار است. حضور قریب به کل مردم جامعه در این همه‌پرسی، نشانگر تشخیص صحیح آن‌ها در لزوم به‌دستگیری سرنوشت خود، بدست خودشان است.

ضدانقلاب که تصور می کرد در این رفتارند بالاخره خواهد توانست، شوز را از ریاست جمهوری ساقط کند، برای پیشبرد مقصود خود به بهترین نحو، حتی خواهان حضور «ناظران بین المللی» هنگام برگزاری رفتارند گشت. برای این منظور، «مرکز کارتر» و «سازمان ایالات آمریکایی» دعوت شده و بر رأی گیری نظارت کردند. در کشورهای غربی هرگز در گذشته سابقه نداشت که یک همه پرسی به این شدت از نزدیک بوسیله بنیادهای خارجی تحت نظارت قرار گیرد. برای این نظارت حتی خود جیمی کارتر، رئیس جمهور سابق آمریکا هم حضور داشت.

اپوزیسیون به رهبری «هومبرتو برتی» و «سزار پرز ویواس» از حزب COPEI که در انتخابات ریاست جمهوری از شوز شکست خوردند، در سال ۲۰۰۲ سعی کردند تا از طریق یک کودتا شوز را از قدرت بیاندازند. سپس با اخراج مدیران شرکت نفت ملی PDVSA به تخریب وضع اقتصادی کشور پرداختند. این البته بجز طرح های کودتایی است که کشف شده و خنثی گردید. وقتی تمام این اقدامات با حضور توده مردم در پهنه ی خیابان ها خنثی شد، اپوزیسیون تصمیم به استفاده از ماده قانونی گرفت که در زمان شوز به رأی عمومی گذاشته شده و به قانون اساسی آن کشور اضافه گردید: یعنی حق عزل از طریق همه پرسی؛ در آن زمان اپوزیسیون با اضافه کردن این ماده به قانون اساسی مخالف بود و در همه پرسی به آن رأی منفی داد. اما حالا بعنوان یک راه دیگر برای برداشتن شوز، مشکلی در استفاده از این قانون نداشت. بنا به گزارش های رسیده، نتیجه این همه پرسی، شکست بزرگی را برای اپوزیسیون به همراه داشته است و سعی در بی اعتبار جلوه دادن این

رفراندم نقداً آغاز شده که زمینه ساز اقدام مخرب آتی نیروهای اپوزیسیون خواهد بود.

حضور کارتر و نهادش «مرکز کارتر» در این رأی گیری در ونزولا، هم چنین نشانگر دخالت مستقیم امپریالیزم در امور داخلی آن کشور است. «مرکز کارتر» نهادی است که از جانب دولت ایالات متحده آمریکا حمایت می شود و در نتیجه در این رفراندوم ما شاهد حضور مستقیم امپریالیزم (اگر چه زیر پوشش امری خیرخواهانه و به «خواست مردم») در مبارزه با خواسته ی توده ی مردم ونزولا بوده ایم. شکست امپریالیزم آمریکا و عیادی داخلی آن، اکنون آنان به گرگ درنده خشمگینی تبدیل نموده که اگر چه ممکن است برای مدتی کوتاه آرام نشینند، ولی قطعاً دست از طرح نقش های بعدی برنمی دارند. این بدان معنی است که مبارزه توده ی مردم ونزولا، بخصوص طبقه ی کارگر آن کشور با دشمن طبقاتی تمام نشده و این دوران در واقع فرصتی برای انسجام مبارزات توده ای و طرح برنامه ای انقلابی و مداوم است؛ وظیفه ای که در واقع به عهده ی پیشروی کارگری آن کشور قرار دارد.

شوز در این مقطع اگر چه سمبل پیروزی توده ی زحمتکش و کارگر ونزولا بر علیه نظام سرمایه داری و امپریالیزم جهانی است، ولی علت کسب چنین موقعیتی بوسیله او، خلع موجود در رهبری انقلابی طبقه ی کارگر آن کشور است. دلیل این که شوز در میان اقشار مختلف کارگران و دهقانان و زحمتکشان آن کشور، بیش تر از هر نیروی چپی و انقلابی موجود پایه دارد، یکی این است که او تا کنون در صحنه ی مستقیم مبارزه با نیروهای ارتجاع قرار گرفته (مثل طرح های کودتا) و این مبارزه نابرابر از شوز مظلومی ساخته که ناخودآگاه حس تدافعی مردم را به نفع او برانگیخته و او را توده

پسندتر کرده است. دوم این که او در این مدت توانسته به برخی مطالبات مردم پاسخ گوید. اما در مقابل در برابر هر عمل او به نفع مردم نیروهای ضدانقلاب با او در ستیز درآمده اند و این باز هم بیش تر او را نزد مردم محبوب ساخته است.

اما از دیدگاه مارکسیست های انقلابی، مسأله اساسی در این جا این است که نه اقدامات شوز تا کنون انقلابی و در جهت ریشه کن کردن نظام سرمایه داری از آن کشور بوده است و نه او می تواند جلوی تخریب های اقتصادی و سیاسی ارتجاع را بر علیه خودش و کشور بگیرد. در واقع، شوز هیچ چشم اندازی از این که کجا دارد می رود ندارد و در نتیجه ی آن، سیاست هایش صرفاً بر اساس نیازی که رودرویی با نیروهای اپوزیسیون ایجاد می کند، تعیین می شود.

در حالی که هم اکنون در ونزونلا فرصت بی نظیری برای طبقه ی کارگر ایجاد شده است که بتواند قدرت را تسخیر کرده و بسرعت دست به دو اقدام اساسی و حیاتی بزند: یکی مسلح کردن توده ی مردم جهت مقابله با حمله های نظامی ضدانقلاب و دوم، ملی کردن تمام منابع درآمد اصلی و بزرگ کشور و به این ترتیب کوتاه کردن هر چه سریع تر دست بورژوازی از منابع اقتصادی.

در مورد اول، شوز با وجود این که بارها مورد حمله از طرف ارتش قرار گرفته، ولی هرگز به این نتیجه نرسیده است که باید ارتش را درهم کوبید و با مسلح کردن مردم در پی ساختن میلیشیا ی مردمی بود. او عده ای از رده بالای ارتش را باز خرید و عده ای را هم بازنشسته کرده است. اما توجه ندارد که ارتش بازوی سرکوبگر ضدانقلاب است و لذا ترکیب ارتش را دست نزده است.

در نتیجه آن، ارتش و افسران عالی رتبه (چه آن هایی که همواره در مقام خود باقی مانده و چه آنان که خانه نشین هستند) اگر چه امروز اعلام طرفداری از شوز را می کنند، ولی اگر موقعیت آن فرا رسد، بلافاصله تغییر موضع داده و می توانند، دو باره به بازوی توانای بورژوازی تبدیل شوند. در نتیجه متلاشی کردن نظام ارتش بورژوایی و دادن قدرت نظامی به دست توده های زحمتکش، یکی از ضروریات یک اقدام انقلابی در این مقطع است.

لازم به اشاره است که تنها یک رهبری مارکسیست انقلابی می تواند معتقد به مسلح کردن توده ها بوده و آن را خطر برای خود احساس نکند و تنها مسلح کردن توده ها و حفظ آن ها در امور و مسائل سیاسی کشور است که می تواند به انقلاب تداوم بخشیده و آن را از حملات گوناگون ارتجاع محفوظ دارد. آن گاه تنها رهبری ای که می تواند از این حالت احساس امنیت کند، رهبری انقلابی طبقه ی کارگر است که از درون بطن طبقه ی کارگر و زحمتکشان آن کشور برخاسته باشد.

مورد دوم یعنی ملی کردن بانک ها، صنایع بزرگ و منابع زیرزمینی و تقسیم اراضی کشاورزی در میان دهقانان با کمک لازم دولتی به آن ها و ایجاد کنترل کارگری در کارخانجات با حمایت دولت بخصوص در زمینه ی توزیع، امری حیاتی برای تداوم انقلاب است، چون آن ها شریان اصلی برای گردش اقتصاد کشور می باشد و تا زمانی که دست سرمایه داری داخلی و امپریالیزم از آن ها کوتاه نشود، جلوی دسیسه های اقتصادی و سیاسی ضدانقلاب را نمی توان گرفت؛ دقیقاً مثل حالتی که هم اکنون در ونزولا پیش آمده است. بورژوازی از یک طرف دائماً در حال تخریب منابع اقتصادی کشور است، از طرف دیگر در تبلیغات خود، از همان وضع بی سروسامان شکایت می کند! در

این مورد هم تنها نیرویی که قادر است با داشتن یک برنامه ی انقلابی، به اقتصاد کشور جان بخشد تا در برابر تحریم ها و حملات امپریالیزم از پای در نیاید، یک دولت کارگری انقلابی است.

اگر چه هم اکنون برای نیروهای مارکسیست انقلابی این احساس وجود دارد که مردم بیش از اندازه به شوز اطمینان دارند و در واقع وضع به نحوی است که نمی شود از شوز انتقاد کرد، اما دقیقاً به علت تفاوت عمق دید پیشروی کارگری و روشنفکر انقلابی با توده ی مردم، این وظیفه نیروهای پیشرو در این مقطع است که:

۱- در صحنه اجتماع حضور داشته و پا به پای توده ی مردم و طبقه ی کارگر در تمام امور دخالت داشته باشند و با حضور خود پا به پای شوز، تبدیل به بدیلی در برابر او شوند.

چیزی که توی مردم ونزونلا در حال حاضر شاید به آن فکر نکنند این است که ارتجاع تا کنون از در خشونت با شوز برخورد کرده است. اکنون پس از این شکست اخیر ممکن است تاکتیک خود را نسبت به او عوض کند و از در معامله و دوستی با او وارد شود. در این صورت، از آن جایی که شوز یک کمونیست نیست و معتقد به مارکسیزم انقلابی نمی باشد و در نتیجه همان طور که تا کنون به ترکیب ارتش و نظام اقتصادی کشور دست نزده است، ممکن است به راحتی از در سازش با بورژوازی وارد گردد که در این صورت به توده ی مردمی که از او حمایت کردند، پشت می کند. به این دلیل در این مقطع، حضور مستقیم نیروهای کمونیست انقلابی ونزونلا در صحنه سیاسی امری ضروری است.

۲- همزمان در پی ساختن آن هسته اصلی و مرکزی، یعنی حزب پیشتاز انقلابی باشند که بتواند در میان طبقه ی کارگر آن گونه پایه بگیرد که در صورت هرگونه شکست احتمالی شوز از ضدانقلاب، این مرکزیت دموکراتیک بتواند، با پایگاهی که در میان توده ی مردم و طبقه ی کارگر بدست آورد، دست به اقدامات انقلابی برای مبارزه با ضدانقلاب بزند.

۳- برای رسیدن به منظور بالا لازم است که در حال حاضر در عین حال که از شوز و اقدامات مثبت او دفاع می کنند، ضعف های او را گوشزد کرده و دلایل خود را برای طبقه ی کارگر با روشنی کامل توضیح داده و آلترناتیو خود را ارائه دهند. حتی اگر در ابتدا با مخالفت زیادی روبرو گردد.

سارا قاضی

۱۷ اوت ۲۰۰۴

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری